

* آرزوهای بازدارنده از نظر قرآن و عرفان‌های نوظهور

☐ حسین مظفری^۱

☐ راضیه مظفری^۲

☐ سجاد سلامت^۳

چکیده

هدف در این پژوهش، ارائه تعریف و مصادیقی از آرزوهای بازدارنده در تعالیم اسلامی و بررسی عوامل مؤثر بر جذب جوانان به آرزوهای کاذب و بازدارنده است. روش مورد استفاده در این تحقیق، روش توصیفی از نوع تحلیل اسنادی است. یافته‌های به دست آمده از این تحقیق گویای آن است که قرآن کریم نسبت به مقوله آرزو دارای نگاهی ویژه بوده و با دسته‌بندی محتوایی آرزوهای انسانی به دو گروه سازنده و بازدارنده، آنها را در قالب مثال‌هایی تبیین کرده است. به عنوان مثال آرزوهایی نظیر ثروت فراوان، عمر طولانی از جمله آرزوهای بازدارنده مورد تأکید در قرآن بوده، که متأسفانه امروزه به صورت سازمان یافته، در عرصه جهانی در حال تبلیغ هستند. آموزه‌های قرآنی علاوه بر این که مؤید آرزوهای سازنده برای انسان هستند؛

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۲.

mozaffari48@yahoo.com

۱. دکترای فلسفه اسلامی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)

mozaffari1391@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه تهران

۳. کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، پژوهشگر عرفان‌های نوظهور
sajjadsalamat@gmail.com

ضمن بر شماری مصادیق آرزوهای بازدارنده و عوامل شتاب دهنده انسان به سمت آنها، نظیر شیطان، غفلت، حماقت و...، نسبت به ابتلای وی به این قبیل آرزوها هشدار می‌دهد؛ عواملی که تحت عناوین دل فریب و جذاب، بستر ساز گرایش جوانان به مکاتب مادی گرایانه غربی هستند.

واژگان کلیدی: قرآن، آرزو، آرزوهای بازدارنده، جوانان، مکاتب الحادی.

۱. مقدمه

فطرت آدمی مطلق گراست و آرزوی کمال، ریشه در سرشت انسان دارد. این خصوصیت فطری، در حقیقت مهم‌ترین عامل پیشرفت بشر در عرصه‌های گوناگون حیات است. لذا اگر آرزو از آدمی گرفته شود، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی‌دهد، هیچ باغبانی نهالی نمی‌نشاند و هیچ پژوهشی انجام نمی‌شود؛ در نتیجه جامعه بشری حرکتی به سوی تکامل نخواهد داشت. از این رو پیامبر خدا ﷺ آرزو را رحمتی می‌داند، که خداوند متعال آن را به انسان‌ها ارزانی داشته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۷۳/۷۷).

اما بهره‌گیری صحیح انسان از این موهبت الهی، منوط به شناخت کمال واقعی است. هنگامی که انسان، هدف نهایی زندگی و برترین آرزوها را تشخیص داد، همه خواسته‌ها و آرمان‌های او در جهت رسیدن به این هدف قرار می‌گیرد؛ زیرا می‌داند هر خواسته مشروع و معقول و منطقی که در جهت رسیدن به این آرزوی بزرگ است، درست و حق و هر چه در جهت خلاف آن است نادرست و باطل است.

به عنوان مثال، در سده اخیر فرقه‌های انحرافی و ضاله گسترده‌ای وجود دارند که با افزایش کمی زایدالوصفی، در جهت جذب هر چه بیشتر اعضا جدید و منحرف کردن افکار جوانان در گستره جهانی فعال هستند. از این رو، دهه ۶۰ میلادی نقطه آغاز انتقادات و اعتراضات جوامع به گسترش بی‌رویه عرفان‌ها و درون انگاری‌های مادی گرایانه شبه عرفانی است. علت این مخالفت‌ها نیز مربوط به تلاش گروه‌های نوظهور برای منحرف کردن جوانان و القاء تغییرات ارزشی و بنیادین در میان پیروان‌شان بود. چرا که براساس آموزه‌های این گروه‌ها، معنویت

توأمان با لذت طلبی مادی و دنیوی انسان، قابل دست یابی و تحقق شمرده می شود؛ لذا برای آغاز این لذت گرایی باید افراد در یک فرایند خود انگیزگی، دچار دگرگونی ارزشی شوند و این مسأله جز با نفوذ آموزه های مادی گرایانه به عنوان ارزش ها محقق نمی شود. برای این منظور دستاویز قرار دادن معرفی راه های رسیدن به موفقیت های مادی می تواند یکی از راه کارها باشد. موضوعی که در قالب تفکرات جدید مدیریت و برنامه ریزی از سوی جریانات رسانه ای و سرمایه داری غرب تبلیغ می شود و مهم ترین خروجی آن تغییر نگرش فرد با تحول در نظام ارزشی و نیز آرزوهای وی در دست یابی به اهداف الهی است.

در این نگاه اگر فردی قائل به موفقیت در زندگی شخصی خود است؛ باید شاهد تحقق آرزوهایش در دنیا باشد و این امر در شرایطی که آرزوها، از نوع بازدارنده باشند، می تواند به توقف و انحطاط فرد در مسیر زندگی منجر شود. به عبارت دیگر برخی از اصلی ترین ریشه های گرایش به معنویت های نوظهور را، می توان در راحت طلبی انسان، و میل به لذات پیدا کرد، چرا که انسان ذاتاً راحت طلب بوده و دوست دارد در هر کاری ساده ترین راه را جهت دست یابی به لذات انتخاب کند. از این رو عرفان های نوظهور، نخست با طرح آرزوها و آرمان های مادی دنیوی می کوشند بینش افراد نسبت به اهداف و ارزش های الهی و معنوی را دستخوش تغییر کنند و در گام بعدی آنها را برای یافتن آرامش از دست رفته، محدود به پذیرش آموزه های غیر الهی خود کنند.

به عنوان مثال پیروان عرفان بودیسم نخست آرزوی انسانی را تنها در ارضای امیال مادی و دنیوی خلاصه می کنند و سپس برای رسیدن به آن ادبیات شبه عرفانی خود را ارائه می کنند. دالای لاما - رهبر بوداییان - در این زمینه معتقد است: شادی تنها هدف زندگی است و بزرگ ترین آرزوی انسان خوراکی خوب و خوابی راحت است (دالایی لاما، ۱۳۸۱، ۱۵۵).

البته در دین ما برای رسیدن به مقامات و معنویات، نیازی به روی گرداندن از دنیا و ترک لذات آن نیست، بلکه می توان از دنیا به مقامات عرفانی رسید، همان گونه که رسول گرامی اسلام ﷺ در خطاب به مردم مدینه فرمودند: چرا برخی

از اصحاب من از خوردن گوشت و استعمال بوی خوش و ارتباط با همسران‌شان اجتناب می‌کنند، همانا من خودم هم گوشت می‌خورم و هم بوی خوش استعمال می‌کنم و هم با همسرانم ارتباط دارم، و هر کس از سنت من روی گرداند از من نیست (کلینی، ۱۳۶۵، ۴۹۶).

اما آنچه توجه به آن حائز اهمیت است نگرش افراد به مقوله آرزو و کیفیت آرزومندی است. تمایلات و آرزوها می‌توانند در چارچوب آموزه‌های شبه عرفانی، دستاوردهای صرفاً مادی و غیر الهی را برای آدمی داشته باشد و یا این که با توجه به نظام ارزشی و اهداف الهی افقی از نگاه انسانی متعالی را تشکیل دهد که سمت و سوی نهایی و غایی آن قرب الی الله باشد.

محققان نیز با درک این موضوع، ضمن هشدار نسبت به ترویج آموزه‌های مادی‌گرایانه و تنزل سطح آرزوها به آمال صرفاً مادی، معتقدند؛ نیاز به هویت‌یابی و شکل‌گیری تصور از خویشتن باعث می‌شود که جوانان به گروه‌ها و افکاری که توانایی هویت‌بخشی دارند، گرایش پیدا کنند. در این میان، طرح آرزوها و ترسیم مدینه فاضله برآمده از آن می‌تواند در فرایند هویت‌بخشی نقشی مهم ایفا کند. لذا گروه‌هایی که مدعی نوعی جهان‌بینی، انسان‌شناسی و ارزش‌های خاص هستند، می‌کوشند شکل‌دهی به هویت جوان را از طریق طرح آرزوهای زودگذر دنیوی با ویژگی‌های جذاب و ترغیب جوانان به تعقیب این اهداف دنبال کنند.

۲. بیان مسأله

آرزو و امید برای ترسیم آینده‌ای روشن، ضرورتی انکارناپذیر است. از این رو پیامبر خدا ﷺ آرزو را رحمتی می‌داند که خداوند متعال آن را به انسان ارزانی داشته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۷۳/۷۷). لیکن این امر در دوران جوانی، به تناسب توانایی‌ها و انتظارات افراد از زندگی آینده، رنگ و بویی متفاوت‌تر از سایر مقاطع زندگی دارد. این مسأله موجب می‌شود تا بعضاً افراد در گذرگاه حساس جوانی نسبت به انتخاب آرزوها دچار لغزش شوند. به طوری که این

آرزوها، نه تنها سعادت اخروی آنان، بلکه زندگی دنیوی آنان را نیز با چالش روبرو می‌کند.

﴿۱۶۷﴾

این مسأله در عصر حاضر با ظهور فرق انحرافی و عرفان‌های کاذب شکلی مدرن به خود گرفته است. به طوری که مبلغان این فرق انحرافی از طریق القاء امیال و آرزوهای جذاب مادی، فرد را در مسیر انتخاب آرمان‌های خود ساخته معنوی به پیش می‌برند. موضوعی که امروزه به شکلی گسترده، در قالب راه کارهایی برای موفقیت، تکنولوژی فکر و تئوری جذب و... در سطح جامعه مطرح هستند و جوانان را در سایه دلبستگی به آرزوهای بازدارنده، در ورطه انحطاط و اومانیزم می‌کشانند. از این رو، به نظر می‌رسد برای شفافیت بحث و شناخت این قبیل لغزش گاه‌های زندگی، ضروری است به پرسش‌های اساسی ذیل، که در این تحقیق نیز مورد بررسی قرار گرفته، پاسخ دهیم: مصادیق آرزوهای بازدارنده از منظر آیات و روایات اسلامی کدام است؟ نفوذ آرزوهای بازدارنده در میان جوانان، از چه گذرگاه‌هایی صورت می‌پذیرد و مهم‌ترین عارضه آن چیست؟

۳. پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی اندک در قالب پایان‌نامه و با موضوع آرزو ارائه شده است ولیکن از منظر ارتباط آرزوهای بازدارنده قرآنی با مکاتب الحادی، مادی‌گرانه و نوظهور امروزی، مقاله و یا مکتوبی مشاهده نشده است. به عنوان مثال پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد با عنوان آرزو در قرآن و حدیث (۱۳۸۸)، دانشگاه الزهراء تهران؛ امید و آرزو در قرآن و حدیث و مقایسه آن با یافته‌های جدید علمی دانشمندان (۱۳۸۷)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، بررسی آرزو در نهج البلاغه (۱۳۹۰)، دانشکده حدیث قم) و نیز آرزو در قیامت (۱۳۹۰)، دانشکده اصول الدین تهران) از جمله پژوهش‌های انجام شده است که حوزه پژوهش آنها به استثناء مورد اول که به صورت گذرا به پاره‌ای از موضوع این نوشتار پرداخته، مابقی از حیث محتوا با مباحث این نوشتار کاملاً تفاوت دارد.

علاوه بر آن مقاله‌ای با عنوان آرزو در دایرةالمعارف قرآن کریم به چاپ رسیده که در آن کلیاتی در باب آرزو از دیدگاه قرآن مطرح گردیده است. همچنین کتاب فرهنگ‌نامه آرزو نوشته محمدی ری شهری از جمله منابعی است که در آن صرفاً روایات مرتبط با بحث آرزو گردآوری شده است.

۴. مفهوم شناسی آرزو

۴-۱. معنای لغوی و اصطلاحی

آرزو در لغت به معنای شهوت، اشتها، خواهش، مراد، چشم‌داشت، شوق، امید، آرمان، توقع و انتظار، مطلوب، دلخواه (دهخدا، ۱۳۷۷، ۷۵/۱) و جمع آن آرزوها، به معنای اطماع، اشواق، شهوات، اهواء و حاجات است (معین، ۱۳۸۱، ۶۳). آرزو کردن نیز به معنای خواهش کردن و درخواست کردن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۷۵/۱).

معادل انگلیسی واژه آرزو، aspiration (پورافکاری، بی‌تا، ۵۷/۱) و معادل واژه آرزو کردن to like to-to wish to است (روحی بعلبکی، ۲۰۰۵، ۲۲۷). آرزو در اصطلاح عبارت است از نیرویی حیاتی که موجود را به تحرک وامی‌دارد و انسان به موجب آن، هدف‌هایی را به منظور تحقق بخشیدن به آنها برای خود در نظر می‌گیرد و انرژی خود را در راه رسیدن به آن هدف و آرمان صرف می‌کند (دادستان راد، بی‌تا، ۵۹).

۴-۲. واژگان معادل و مرتبط در لغت عرب و قرآن

۴-۲-۱. تمنی

«تمنی» به تقدیر و تصویر کردن چیزی در ذهن معنا شده است. طبق نظر ابن فارس، تمنی آرزویی است که انسان آن را در ذهن تقدیر می‌کند (ابن فارس، ۱۴۲۲، ۹۳۰) و ابن اثیر، آن را به معنای میل داشتن و تحقق چیزی محبوب دانسته است (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ۴/۳۶۷).

از نظر راغب، تقدیر آرزو، گاه از روی تخمین و گمان است و گاه از روی

اندیشه و یک اصل، اما چون اکثراً از روی تخمین است، دروغ، بیشتر در آن راه دارد و اکثراً تمنی‌ها تصور چیزی هستند که واقعیت ندارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ۷۸۰).

این واژه [به معنای مصدری‌اش اصلاً در قرآن به کار نرفته است، بلکه به صورت فعل ماضی است] و مشتقات آن ۱۷ بار در قرآن به کار رفته است (روحانی، ۱۳۶۶، ۲/۲۹۴-۳۰۱).

۴-۲-۲. اَمَل

خلیل اَمَل را به معنای رجا (امید) دانسته (فراهیدی، ۱۴۱۴، ۳۴۷/۸) اما صاحب التحقیق، به اختلاف معنایی ظریفی بین امل و رجا اشاره می‌کند: «معنای حقیقی این واژه (اَمَل)، امید بعید و انتظار امری بعیدالحصول است که در فارسی به آن آرزو گفته می‌شود. در حالی که معنای رجا، امید است» (مصطفوی، ۱۳۶۹، ۱۴۹/۱). در فروق اللغویه نیز اَمَل به معنای امید و آرزوی مستمر آمده است (عسگری، ۲۰۰۶، ۲۷۵). این واژه دوبار در قرآن آمده است که یک‌بار به معنای آرزوهای نیک به کار رفته (کهف ۴۶/۱۸) و دیگر بار در معنای آرزوهای ناپسند و بازدارنده استعمال شده است (حجر ۳/۱۵).

۴-۲-۳. وَدَّ

براساس گفته خلیل، مصدر «وَدَّ» و فعل وَدَّ - یوَدَّ به دو معنای دوستی و آرزو به کار می‌رود. اما ابن فارس بر آن است که مصدر «وَدَّ» فقط برای دوست داشتن و مصدر «وَدَّاه» فقط برای تمنی استعمال می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ۸/۹۹).

۴-۲-۴. لَیْتَ

«لَیْتَ» به فتح لام، کلمه تمنی و آرزوست (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۷۳/۴) و اصلی‌ترین و رایج‌ترین کاربرد را برای بیان آرزو دارد (ابن فارس، ۱۴۲۲ق، ۹۰۲).

واژه لیت و مشتقات آن ۱۴ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است (عمایره و مصطفی، ۱۴۱۰ق، ۵۶۶) که در ۹ مورد آن حاکی از آرزوی آرزوکننده در قیامت است و عملاً ممتنع الوقوع است.^۱ در ۵ مورد دیگر هم که آرزوی آرزوکننده در دنیا است، حاکی از آرزوی محال و یا بعیدالحصول است.^۲

۴-۲-۵. هل

اصل ساختار این کلمه برای پرسش است و گاهی به طور مجاز برای آرزو استعمال می‌شود. استعمال «هل» به جای «لیت» در مواردی است که متکلم امیدی به برآورده شدن آرزویش ندارد (شیرازی، ۱۳۸۰، ۲/۲۱۳). واژه «هل» ۸۴ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته و ضمن بررسی ترجمه‌ها و تفاسیر مشخص شد که در سه مورد^۳ برای آرزو استعمال شده است.

۴-۲-۶. لو

این واژه که در اصل برای شرط وضع شده، گاهی در معنای آرزو نیز به کار رفته است (سیوطی، ۱۴۲۰ق، ۱/۱۴۹). این واژه ۲۰۱ مرتبه در قرآن به کار رفته است (عمایره و مصطفی، ۱۴۱۰ق، ۵۱۹) که ۱۵ مورد آن برای بیان آرزوهاست.^۴

۴-۲-۷. لعل

در اغلب موارد واژه «لعل» مانند «هل» حاکی از امید آرزوکننده به تحقق آرزو است؛ در حالی که «لو» از ناامیدی حکایت دارد و «لیت» به معنای مطلق آرزو و از هر دو ویژگی [امید و نومیدی] خالی است (سیوطی، ۱۴۰۸ق، ۲۹۴). برخی کاربرد اصلی لعل را برای اظهار امید و در آیه ۳۶ سوره مبارکه غافر به معنای آرزو دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۴/۱۶۷).

۵- فرآیند پیدایش آرزوها

روانشناسان برآنند که زیربنای آرزوهای انسان را نیازهای او تشکیل می‌دهد و

این نیازهاست که برای انسان، انگیزه و تمایل به امور مختلف را ایجاد می کند (مزلو، ۱۳۶۷، ۷۰). با بررسی کتب روان شناسی چنین برمی آید که نیازهای فیزیولوژی، نقطه آغاز محرک های درونی است. اما پس از آن که نیازهای فیزیولوژیک نسبتاً خوب ارضاء شوند، آن گاه مجموعه ای جدید از نیازها پدید می آید که به ترتیب می توان آنها را به نیازهای ایمنی، عشق و محبت، و در آخر نیاز به خود شکوفایی طبقه بندی کرد. از دیدگاه غزالی، اندیشه انسان با پردازش نیازها به تعیین مصداقی برای انگیزه های درونی برآمده و رغبت و تمایل آدمی را تحریک می کنند و تمایل و رغبت نیز محرک عزم و اراده و تصمیم وی می گردد (ر.ک: عبدالکریم عثمان، ۱۳۶۷، ۳۵-۴۱).

بنابراین با توجه به این که اندیشه انسان در تعیین مصداق آرزوها و به تبع آن در سعادت و شقاوت انسان ها تأثیر به سزایی دارد، به فرموده امام خمینی (ره) این اندیشه از سویی مخاطب وحی الهی و از سوی دیگر جولانگاه وساوس نفسانی و شیطانی قرار می گیرد؛ به نحوی که عقل سلیم و وحی الهی، انسان را به آرزوهای حقیقی و سازنده و نفس و شیطان، وی را به آرزوهای کاذب و بازدارنده سوق می دهند (امام خمینی، ۱۳۶۲، ۱۱۵).

۶- تأملی بر اهمیت آرزو از منظر اسلام

شکی نیست که هیچ انسانی در هیچ زمانی از ادوار تاریخ بدون آرزو و امید به آینده نبوده و بعدها نیز در هر مرتبه از علم و صنعت و تکنولوژی که قرار گیرد، خالی از آن نخواهد بود، زیرا امروز ما به فردا وابسته است و فردای ما نیز ادامه زندگی امروز ماست. ناچار هیچ انسانی نمی تواند برای فردا و فرداهای خویش بدون فکر و اندیشه باشد، زیرا می خواهد فردا نیز زندگی کند از این رو به نقشه و طرح و برنامه نیاز دارد. بنابراین در اسلام اصل آرزو و طرح و برنامه برای زندگی فردا نه تنها مذموم نیست بلکه مورد تمجید نیز می باشد (حقانی زنجانی، ۱۳۷۳، ۱۱۰).

این حقیقت را با صراحت از آیات قرآن [کهف، (۴۶/۱۸)] و گفتار پیشوایان

می‌توان استنباط کرد. به عنوان مثال: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ضمن این که آرزو را رحمتی برای امت‌اش می‌خواند، در بیان ضرورت آرزو می‌فرماید: «اگر آرزو نبود، هیچ مادری فرزندی را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی نهالی نمی‌کاشت» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۷۵/۷۴).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز آرزو را مایهٔ برپایی دنیا و موجب تلاش و فعالیت مردم می‌داند (ر.ک: تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۲۳۵) و در حدیث دیگری می‌فرماید: «آرزو، همراهی همدم است که اگر تو را به مقصد نرساند، لااقل در مسیر پیشرفت از آن بهره‌مند می‌شوی» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۱۰۴). از دیگر سو، سخن پیشوایان دین حاکی از اهمیت آرزو و نقش آن در شکل‌دهی شخصیت انسان‌هاست. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «انسان با آنچه دوست دارد محشور می‌شود» (کلینی، ۱۳۶۵، ۱۲۶/۲).

واضح است که هر دوست داشتنی، آرزویی را در دل خود نهفته دارد. اگر انسان شخصیتی را دوست بدارد، همواره رسیدن به او، در کنار او بودن و همچو او بودن را آرزو می‌کند. انسان با خواسته‌ها و آنچه آرزویش را دارد محشور می‌شود حتی اگر به آن دست نیابد. توجه به این روایات، اهمیت و جایگاه آرزو را به ما یادآور شده و ما را بر آن می‌دارد که در مهندسی آرزوهایمان توجه و تأمل بیشتری کنیم.

۷- تقسیم‌بندی آرزوها براساس انگاره‌های دینی

آرزوی کمال ریشه در سرشت انسان دارد و انسان ذاتاً در جستجوی کمال مطلق است. از این رو به هیچ حدی از کمالات قانع نیست. این خصوصیت فطری در حقیقت، اصلی‌ترین عامل پیشرفت تمدن بشر و تکامل جامعهٔ انسانی است (محمدری شهری، ۱۳۸۵، ۱۳).

بنابراین با توجه به این که انسان در جستجوی کمال است و با در نظر گرفتن این مسأله که خداوند، کمال مطلق و نهایت آرزوی انسان‌هاست، می‌توان قرب به خدا و رضایت خداوند را مبنای تقسیم‌بندی آرزوهایمان قرار داده و بر این اساس

آرزوها را به دو دسته سازنده (حقیقی) و بازدارنده (غیرحقیقی) تقسیم‌بندی کرد.

۱-۷. آرزوهای سازنده

آرزوهای سازنده آرزوهایی است که انسان را در جهت نزدیکی به خداوند و تخلق به اخلاق الهی و رسیدن به کمال حقیقی یاری می‌رساند، مهم‌ترین نشانه این آرزوها، ایجاد آرامش و طمأنینه قلب است. «... آگاه باشید که دل‌ها به یاد خدا آرامش می‌یابد» (رعد ۲۸/۱۳). منظور از ذکر خدا که مایه آرامش دل‌هاست، تنها این نیست که نام او را به زبان آورد و تکبیر و تهلیل و تسبیح گوید، بلکه منظور آن است که با تمام وجود متوجه او و عظمت و علم و آگاهی‌اش گردد و این توجه، مبدأ حرکت و فعالیت در وجود او به سوی جهاد و تلاش و نیکی‌ها گردد و میان او و گناه، سد محکمی ایجاد کند. این است حقیقت ذکر (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۰/۲۱۵).

بنابراین حرکت و تلاش در مسیر آرزوهای سازنده که همان مسیر کسب رضایت الهی است از مصادیق ذکر به شماره رفته و آرامش قلبی را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

۲-۷. آرزوهای بازدارنده (غیر حقیقی)

از دیدگاه قرآن، آرزوی مذموم و نکوهش شده، آرزویی است که انسان را مشغول و عمر او را بیهوده تلف کند و نتیجه‌ای از آن عاید انسان و جامعه نشود، چنان که علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر سوره مبارکه حجر (۳/۱۵) درباره دستور خداوند به رهبر امت اسلامی - رسول اکرم صلی الله علیه و آله - درباره کافران و طریق برخورد با آنها می‌نویسد: این بیچارگان از زندگی‌شان جز خوردن و سرگرمی به لذات مادی و دل‌خوش داشتن به آرزوها و تمایلات واهی، بهره دیگری ندارند و مقام خود را تا افق حیوانیت پایین آورده‌اند؛ بنابراین آنها را به حال خود واگذار کرده و در زمره انسان‌ها به حساب نیاور (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲/۱۴۰). همچنین احادیثی که از ائمه معصومین علیهم السلام در باب مذمت آرزو وارد شده است، متعلق به این دسته

از آرزوهاست. در حدیثی از امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است: «نفس‌های آدمی، گام‌های او به سوی اجل اویند. و آرزوهای او بازدارنده از عملش هستند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۶۴) با توجه به آیه فوق، اگر کسی نداند چه آرزوهایی عقلانی، منطقی و دست‌یافتنی است، عمر خود را صرف خیالات و موهوماتی می‌کند که هیچ‌گاه بدان‌ها دست نخواهد یافت، لذا سزاوار است انسان همت خود را در راه تحصیل آخرت به کار اندازد و آرزوهایی که او را از راه آخرت بازمی‌دارد به دل راه ندهد.

۷-۲-۱. مصادیق آرزوهای بازدارنده از منظر قرآن کریم

آیاتی از قرآن کریم به صورت مشخص مؤمنان را از برخی آرزوها بر حذر داشته‌اند. این آرزوها عبارتند از:

۷-۲-۱-۱. آرزوی داشتن برتری‌های دیگران

در آیه ۳۲ سوره نساء، مؤمنان از آرزو کردن چیزی که برخی بندگان به آن برتری یافته‌اند نهی شده‌اند، به طوری که برخی تفاسیر آورده‌اند که آرزوی برتری‌های دیگران میان دو گروه از زنان و مردان بوده است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۲۰/۳). طبرسی در ذیل روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌نویسد: ام سلمه به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفت: ای رسول خدا، مردان به جهاد می‌روند، ولی زنان نمی‌روند و ما نصف مردان ارث می‌بریم، کاش ما نیز مرد بودیم، به جهاد می‌رفتیم و به دیگر فضایل مردان نایل می‌شدیم. پس از این سخنان، آیه فوق نازل شد و مؤمنان را از چنین آرزوهایی بر حذر داشت (ر.ک: طبرسی، ۱۳۶۰، ۱۲۶/۵).

بر پایه روایتی از امام صادق علیه السلام که در تفسیر آیه مذکور نقل شده: مردان از آرزوی مال، نعمت و همسر نیکویی که خداوند به دیگران عطا کرده نهی شده‌اند، اما می‌توانند مانند این‌ها را برای خود آرزو کنند (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ۴۷۴/۱).

۲-۱-۲-۷. آرزوی داشتن ثروت دیگران

آیه ۷۹ سوره قصص از آرزوی کسانی یاد می‌کند که زندگی دنیا را هدف نهایی و یگانه غایت مساعی خویش می‌دانند و از آخرت غافل مانده‌اند و به همین جهت اموال قارون را سعادت عظیم می‌شمارند. لذا می‌گفتند ای کاش ما هم داشتیم آنچه را که قارون دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۱۶/۱۶). اما [برخی از عالمان و دانشمندان] به ایشان گفتند: وای بر شما ثواب خدا برای کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند بهتر از حال و ثروت قارون است (قصص ۸۰/۲۸)، لذا شاهد آن هستیم که در آیه مورد بحث از واژه بیزاری و انزجار «ویل» برای توصیف واکنش مؤمنان به آرزوی دنیاطلبان استفاده شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۱۷/۱۶).

۲-۱-۳-۷. برخی از آرزوهای اهل کتاب

قرآن کریم به منظور ارائه تصویری ملموس‌تر از آرزوهای بازدارنده، به مواردی از آرزوهای اهل کتاب اشاره کرده که اهم آنها عبارتند از:

- ورود انحصاری به بهشت (بقره ۱۱۲/۲ و ۹۴)؛
- آرزوی ارتداد مؤمنان (بقره ۱۰۹/۲)؛
- آرزوی گمراه شدن مؤمنان (آل عمران ۶۹/۳)؛
- آرزوی رنج و مشقت مؤمنان (آل عمران ۱۱۸/۳).

قرآن کریم در تحلیل خود از علل پیدایش چنین آرزوهایی به غرور اهل کتاب نسبت به دین خود، در آرزوی ورود انحصاری به بهشت یاد می‌کند (خسروانی، ۱۳۹۰، ۱۵۶/۱) و از نقش حسد در آرزوی اهل کتاب برای ارتداد مؤمنین پرده برمی‌دارد و در تبیین علل طلب آرزوی اهل کتاب برای گمراهی مؤمنان، از تعصبات کورکورانه آنها سخن به میان می‌آورد، چرا که مسلمانان بزرگ‌ترین مانع پیشرفت آنان محسوب می‌شدند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳۷۲/۱).

۲-۱-۴-۷. آرزوهای کافران

کافران نیز همچون اهل کتاب، آرزوها و آمال دنیوی فراوانی برای تضعیف

مؤمنان داشتند که به تصریح قرآن کریم اهم آنها عبارتند از:

- آرزوی سازش پیامبر با کافران (قلم ۹/۶۸)؛

- آرزوی غفلت مسلمان در میادین نبرد (نساء ۱۰۲/۴).

این مسأله گویای آن است که اسلام علاوه بر تبیین مرزهای آرزوهای سازنده و بازدارنده، به مسلمانان در خصوص اعتماد بیش از حد به کافران هشدار نیز می‌دهد. لذا برخی با استناد به این آیات معتقدند حاکمان اسلامی و مردم مسلمان باید از پیشنهادهاتی که از سوی کافران و مشرکان مطرح می‌شود دوری کنند تا هرگز زیر یوغ استکبار قرار نگیرند و از مهلکه‌هایی که دشمنان برای آنان در نظر گرفته‌اند در امان باشند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ۴۴/۲۳). حال اگر این پیشنهاد در حوزه‌های روانی و معرفتی بود، این دقت نظر باید بیش از پیش افزایش یابد. به عنوان مثال اگر جوانان [به عنوان مخاطبان اصلی مکاتب الحادی] از منظر فوق به تئوری‌های وارداتی و عرفان‌های کاذبی که امروزه در قالب جلسات و محافل گوناگون به آنها عرضه می‌شود نگاه کنند، قطعاً مروجان آن مکاتب در جلب نظر ایشان توفیقی نخواهند داشت.

۷-۲-۱-۵. آرزوهای منافقان

آرزوهای منافقان و شناخت آنها می‌تواند جامعه را در برابر خطرات مهلک مربوط به حضور این افراد در جوامع اسلامی مصون بدارد. از منظر قرآن کریم آرزوهای منافقان عبارتند از:

- آرزوی کفرورزی مؤمنان (نساء ۸۹/۴)؛

- کسب غنائم بدون جهاد (نساء ۷۳/۴)؛

- مشغول شدن مؤمنان به آرزوهای فریبنده (حدید ۱۴/۵۷).

براساس منطق قرآن نقطه مشترک در آرزوهای منافقان؛ منفعت جوئی و عافیت‌طلبی آنان در دنیا عنوان شده است. به عنوان مثال منافقان به دنبال کفر مؤمنان هستند تا آنها نیز مانند ایشان در کفر یکسان شوند. این خصیصه در آرزوی منافقان برای دستیابی به غنائم حاصل از فتوحات اسلامی نیز صدق

می‌کند. براساس آیه ۱۴ سوره حدید، این خصلت جاه‌طلبی منافقان در روز قیامت به موضوع گفتگوی آنان با مؤمنان مبدل می‌شود، به طوری که مؤمنان، منافقان را به فریب خوردن از آرزوها در دنیا متهم می‌کنند. آرزویی که برخی مفسران آن را گرفتاری مؤمنان به مصیبت دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۶۰، ۲۴/۲۲۱)، و برخی دیگر به آرزوهای بلند و تمنای طول عمر تفسیر کرده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۴/۴۷۹).

۸- عوامل شتاب دهنده انسان به آرزوهای بازدارنده

یکی از بسترهای انحراف و استحاله آرزوهای سازنده به تمایلات بازدارنده از کمال آدمی، نفوذ خرافات و انحرافات مادی گرایانه در اندیشه و باور آدمی است. موضوعی که به نظر می‌رسد در جهان امروز اشکال متنوعی از آن را می‌توان در پوشش فعالیت‌های آموزشی و تبلیغی نظام ارزشی غرب مشاهده کرد. به طوری که امروزه مروجان اندیشه‌های مادی و طراحان و مبلغان نظریات شبه عرفانی به صورتی گسترده، مشغول به طرح و جایگزینی آمال مادی و ترغیب افراد به توسل به قدرتی غیر الهی برای رسیدن به این مطالبات هستند. به نحوی که آرزوپردازی و خلاصه کردن راه کارهای رسیدن به آن در چارچوب قوانین مادی به یکی از اصلی‌ترین مبانی آموزشی مورد تأکید در میان هواداران این جریانات مبدل شده است. بر این اساس، در ادامه نگاهی خواهیم داشت به علل گرایش انسان به آرزوهای بازدارنده و بسترهای ابتلای جوانان به این عارضه سوء معنوی.

۱-۸. شیطان

خداوند متعال، در قرآن کریم، از کلام شیطان حکایت می‌کند که گفته است: «و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهم کرد، و وادارشان می‌کنم تا گوش‌های دام‌ها را شکاف دهند، و وادارشان می‌کنم تا آفریده خدا را دگرگون سازند» و [لی] هر کس به جای خدا، شیطان را دوست [خود] گیرد، قطعاً

دستخوش زیان آشکاری شده است» [نساء: (۱۱۹/۴)]. از آیه فوق چنین برمی آید که شیطان در ابتدا انسان را از مسیر حق گمراه کرده و سپس او را به آرزوهای باطل آرزومند می سازد که نتیجه این گمراهی و آرزومندی باطل این می شود که انسان به خسران مبین دچار می شود و چه خسرانی روشن تر از این که سعادت حقیقی کسی مبدل به سعادت خیالی و شقاوت واقعی شود و با وعده های دروغین و آرزوهای موهوم کمال خلقت او مبدل به خسران و نقص شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۳۷/۵). در آیه بعدی آن نیز می فرماید: «[آری،] شیطان به آنان وعده می دهد، و ایشان را در آرزوها می افکند، و جز فریب به آنان وعده نمی دهد». البته در این جا مراد از وعده های شیطان، وسوسه هایی است که بدون واسطه می کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۳۷/۵). کلبی می گوید: یعنی به ایشان می گویم که به دنبال زندگی دنیا، بعث و حشر و بهشت و جهنمی و پاداش و کیفری نخواهد بود؛ بنابراین هر کاری می خواهید بکنید و یا می گوید: اگر انفاق کردید، دچار تهی دستی می شوید (طبرسی، ۱۳۶۰، ۵۸/۶)؛ منظور امور خیالی است که وهم از آن لذت ببرد و از نتایج وسوسه است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۳۸/۵)؛ یعنی آرزوی طول عمر، رحمت خدا بدون توبه و استغفار و شفاعت در قیامت را به دل آنان می افکنم. در پایان آیه اذعان شده آنچه شیطان به آنها وعده می دهد، حقیقتی ندارد.

امام صادق علیه السلام درباره آیه ۱۳۵ سوره آل عمران می فرماید: وقتی این آیه نازل شد، ابلیس ملعون به کوه ثور آمد و با صدای بلند همه اعوان و انصار و عفریت ها را فراخواند و گفت: چنین آیه ای نازل شده، کیست که بتواند در برابر آن عرض اندام کرده و آن را خنثی سازد؟ در این هنگام وسواس خناس بر پاخواست و گفت: این مهم را من به عهده می گیرم. ابلیس گفت: چگونه؟ گفت به آنها وعده می دهم، آرزومندشان می سازم تا به گناه بیفتند، وقتی با گناه درآمیختند استغفار را از یادشان می برم. «در این جا بود که ابلیس گفت: تو شایستگی این کار را داری و او را تا روز قیامت بر این کار وکیل و عهده دار ساخت» (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ۱۴۷).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز می‌فرمایند: آرزو، سلطه شیاطین بر دل‌های غافلان است (کلینی، ۱۳۶۵، ۲۵۸/۳).

امروزه نیز این شیطان در پس انگاره‌های مادی و آرزوهای طولانی می‌کوشد تا کلام خود را به جای فطرت پاک آدمی بنمایاند و فرد را از یاد خدا غافل کند. به طوری که در غرب جنبش‌های موسوم به عصر جدید، مردم را به درک ماهیت حقیقی خود دعوت می‌کنند و این ماهیت را نیز معنوی تفسیر کرده و به دستورالعمل‌های باطنی می‌پردازند. آنها از یک قانون طبیعی برای کشف خود درونی سخن می‌گویند به نام «خدای درونی انسان‌ها».

مبنای این باور این است که نیروی باطنی شخص به عنوان برآورنده آرزوها، شخص را سعادتمند می‌کند و بدون پرداختن به دین و مناسک دینی، هر کس که به ندای درون خویش گوش فرادهد می‌تواند سعادت و خوشی را در همین دنیا تجربه کند و بهشتی که خدا به انسان‌ها وعده داده در همین دنیا به دست آورد. چنین رویکردی چنان محسوس است که پاره‌ای از اندیشمندان غربی نام «ماده‌گرایی معنوی» بر آن نهاده‌اند (ویلسون، ۱۳۸۷، ۸۳).

با همین نگرش است که خوزه سیلوا، بنیان‌گذار روش کنترل ذهن، تأکید می‌کند که در حاشیه معنویت‌گرایی می‌توانید «از قدرت ذهن خود برای بالا بردن میزان فروش استفاده کنید». به عبارت دیگر می‌توان در جست و جوی خدای درون از چیزهایی که ذاتاً با معنویت مرتبط نیستند بهره گرفت. در آموزه‌های این مکاتب، انسان ترغیب می‌شود به جای دعوت به خداخواهی و کمال‌جویی، به «ندای درون» گوش بسپارد. ندایی که انسان را به سودجویی فردی دعوت می‌کند. در حالی که ندای درون اگر حقیقتاً از باطن وجود انسان برخیزد، بیش از همه، آدمی را متوجه هدف غایی خلقت می‌کند و او را در عرصه هدف‌گذاری به تجدید نظر وامی‌دارد.

این ایده امروزه در مؤسسات خصوصی آمریکا با نام قوه ذهن و قدرت شهود تبلیغ می‌شود و وعده زندگانی راحت و رفاه را می‌دهد. مثلاً کلیسای کشیش ارنست هلمز، مرکز علوم مذهبی و علوم ذهنی، چنین مأموریتی دارد. لوتیز هی از

تربیت یافتگان این مرکز معنوی - ذهنی است که کتاب «قدرت در درون توست» را منتشر کرده است. وی در کتابش با تأکید بر این که خدای درون، همان «سرور بزرگ» است می‌گوید: این جملات که «درآمد من پیوسته در حال افزایش است» و «داشتن پول و ثروت همیشه خوب است» نگرش معنوی شما را شکل می‌دهند. «جهان مادی جهان خداست و شما در این جهان جزئی از وجود خدا هستید. اگر شما آزادی و راحتی را در زندگی تجربه کنید، آنگاه ماهیت درست معنوی خود را درک خواهید کرد» (ویلسون، ۱۳۸۷، ۹۹).

۲-۸. غفلت

غفلت یکی دیگر از عوامل ایجاد آرزوهای بازدارنده است. راغب در معنای غفلت می‌گوید: «غفلت همان سهوی است که به خاطر کم توجهی و کم هوشیاری نصیب انسان می‌شود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ۶۰۹).

از نظر فرهنگ دین، غفلت یکی از موانع سیر انسان به سوی خداست. به تعبیر قرآن، غفلت آن است که انسان با همه قدرت و استعدادی که برای درک و فهم دنیا و آخرت و بصیرت در امور مادی و معنوی دارد، این قدرت را در امور ناچیز هدر دهد و با این که صاحب چشم و گوش است، ولی نور هدایت را نبیند و خیر و حکمت را نشنود و در صراط مستقیم گام برندارد [اعراف: (۱۷۹/۷)].

امیرمؤمنان علی علیه السلام، غفلت را گمراهی جان‌ها می‌داند (ر.ک: تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۳۶۹/۱) و می‌فرماید: «کسی که دچار غفلت شود، آرزوها او را می‌فریبد و آنگاه که پرده کنار رود و آنچه تصورش را نمی‌کرده از جانب خدا بر او آشکار گردد، افسوس و حسرت او را فرامی‌گیرد» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۹۰/۷۲).

اما همین غفلت مورد اشاره در روایات دینی، امروزه به صورت سازمان یافته‌ای در بطن تبلیغات مربوط به نظریات مادی‌گرایانه، همچون تئوری راز ترویج می‌شود. به طوری که یاد خدا و اراده خدا در این تئوری‌ها جایی نداشته و قائلان به آن بر این باورند که: «این قانون همان قانون جاذبه عمومی است اما در حیطه افکار».

یا در جایی دیگر می‌خوانیم «تو همه چیز را به طرف خودت جذب می‌کنی. مردم، شغل، شرایط زندگی، وضع سلامتی، ثروت، قرض، شادی، ماشینی که سوار می‌شوی و اجتماعی که در آن زندگی می‌کنی. مثل آهن ربا همه این‌ها را به طرف خودت جذب می‌کنی. به هر چه فکر کنی همان اتفاق می‌افتد. کل زندگی تو تجلی افکاری است که در ذهنت جریان دارند» (برن، ۱۳۸۵، ۳۲). همچنین برخی از معتقدان به تئوری جذب می‌گویند: «شما در سه گام به آرزوهای خود دست می‌یابید: نخست خواستن: «به دنیا فرمان بده»؛ دوم باور: «باور داشته باش که به خواسته‌ات رسیده‌ای»؛ سوم تجسم: «احساس کن که به خواسته‌ات رسیده‌ای» (همان، ۶۲).

لذا شاهد آن هستیم که همین غفلت از یاد خدا بستر ساز انحراف فرد در مسیر پیش روی خود می‌شود، به طوری که پس از اندک زمانی آرزوهای مادی جایگزین آرمان‌های سعادت‌ساز می‌شوند و فرد بدون اتکا بر قدرت خدای متعال به دنبال دست‌یابی به آنها برمی‌آید. در نهایت نیز غفلت بر دل او مستولی شده و یاد خدا برای همیشه از دل‌اش رخت می‌بندد و بی‌تردید دلی که یاد خدا نباشد، خانه شیطان می‌شود.

این در حالی است که اسلام قائل به دکترین زهد در دنیا برای پیش‌گیری از غفلت از یاد خدا در ترسیم آرزوهاست. زهد در اسلام، ترک دنیا و انزواطلبی و کنار رفتن از جامعه نیست؛ بلکه براساس روایات، زهد در دنیا به کوتاهی آرزو و سپاس‌گزاری در مقابل نعمت‌ها معنا شده است. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «زهد، کوتاهی آرزو است نه ترک آرزو، شکر و سپاس در برابر نعمت‌هاست نه پشت پا زدن به آنها و زهد و ورع در برابر محرمات است نه ترک لذایذ حلال» (سید رضی، خطبه ۸۱). امام باقر علیه السلام نیز وارد شدن شیرینی زهد به کام انسان‌ها را مشروط به قصر امل می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۶۲/۷۵).

۳-۸. حماقت

امیرالمومنین علیه السلام، اتکا و اعتماد به آرزوها را از حماقت می‌داند (تمیمی

آمدی، ۱۳۶۶، ۲۶۸). همچنین در وصیت‌شان به امام حسن مجتبی‌علیه‌السلام، وی را از تکیه به آرزوها بر حذر می‌دارد و آرزوها را کالای احمقان می‌شمارد (حرانی، ۱۴۰۴ق، ۸۰) رسول خدا ﷺ نیز می‌فرماید: احمق‌ترین احمق‌ها کسی است که نفس خویش را دنباله‌رو هوس سازد و از خداوند متعال آرزوهای ناشدنی کند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲۵۰/۹۲).

این روایت بیان‌گر این واقعیت است که انسان باید آرزوهایش را متناسب با اعمال‌اش تنظیم کند، یعنی اگر در زندگی خود به جای عمل به دستورات دین به پیروی از هوی و هوس پرداخته، دیگر آرزوی مغفرت الهی و رسیدن به جنت اخروی را در سر نپروراند، مگر این که اقدام عملی در راستای این آرزوها انجام دهد؛ چنان که سیره اولیای الهی علیهم‌السلام نیز چنین بوده است. حضرت علی‌علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: اولیای خدا و دوست‌داران پروردگار از راه صبر و بردباری به اجر و پاداش و از طریق عمل به آرزوهای خود نایل می‌شوند (لیثی الواسطی، ۱۳۷۶، ۲۴۹). اما این روحیه عمل‌گرایی، در نظریات مادی، رنگ و بویی وهم‌گونه پیدا کرده و این مکاتب افراد را به ورطه خیال پردازی می‌کشاند. به عنوان مثال در فرضیه جذب آن چه «شاه کلید» محسوب می‌شود، تمرکز و تجسم مطلوب است، نه اقدام عملی و برنامه‌ریزی و مشورت. به سخن دیگر؛ انرژی‌ها نه در میدان عمل که در کنج خلوت به کار گرفته می‌شوند. لذا بی‌عملی فرد برای دستیابی به آرزوها یکی از مصادیق حماقت می‌شود.

۸-۴. میل به گناه

خداوند متعال ارتکاب گناهان را زمینه‌تکذیب آیات الهی می‌داند (روم ۱۰/۳۰). گویی گناه و آلودگی همچون بیماری خوره به جان انسان می‌افتد و روح ایمان را از بین می‌برد. لذا با استناد به آیه فوق ارتکاب گناهان با سست شدن ایمان ارتباط مستقیم دارد و هر چه ایمان انسان به خدای تعالی و سرای آخرت ضعیف‌تر باشد، آرزوهای او نیز از محدوده دنیا و تعلقات آن فراتر نمی‌رود و خطر ابتلا به آرزوهای طولانی بیشتر می‌شود. در این زمینه روایتی از رسول

گرامی اسلام ﷺ وارد شده که فرموده‌اند؛ آدم پیش از آن که گناه کند، اجل اش پیش روی او و آرزویش پشت سرش بود؛ چون گناه کرد، خداوند آرزویش را پیش چشم او و اجل اش را پشت سرش قرار داد، از این رو پیوسته آرزو می‌کند تا آن گاه که مرگ اش فرا رسد (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱/۱۶۹).

اما علیرغم این مستندات دینی شاهد آن هستیم که مروجان نظریات مادی گرایانه، نظیر تئوری جذب همچنان تمایل به ترغیب افراد به غفلت از موازین دینی داشته، هدف قرار دادن آرزوها و لذت‌های دنیوی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. چنان که یکی از مباحث قابل تأمل تئوری راز این است که قائلان به آن معتقدند «مهم نیست تو خوب و یا بد باشی و مهم نیست چیزی بخواهی که در ذات خود خوب باشد یا خوب نباشد، بلکه مهم خواست و طلب توست...». این مسأله گویای آن است که این گونه «محوریت دادن به خواست‌ها و تمنیات آدمیان» محصول رویش بذر سکولاریسم و دنیاگرایی است که از زمین اومانیزم رویده است و به همین جهت است که اریک فروم مدعی است که باید محبت به انسان و عدالت را جانشین خدا نمود و سخن از خدا را باید کنار گذاشت (نصری، ۱۳۸۹، ۳۵۸).

لذا در چنین نظام معرفتی، ارزش انسان نه در بعد الهی و ملکوتی او که در خرد زمینی و عقل معاش اندیش او خلاصه می‌شود و در نتیجه خردگرایی و عقل‌گرایی اصالت پیدا می‌کند. ضمن آن که تئوری راز علاوه بر نظام تشریع، نظام تکوین را نیز در خدمت آمال و آرزوهای انسان و تمنیات او قرار می‌دهد. به عنوان مثال عبارت «فرمانبردارم سرورم» که به عنوان زبان حال کائنات در این تئوری بارها و بارها تکرار می‌شود. این مسأله به وضوح مبین مشروعیت سرکشی نفس انسان در قبال نظام خلقت است و این سرکشی می‌تواند انسان را به هوس قدرت، به چاه حرص بیافکند.

۵-۸. ترجیح دنیا بر آخرت

مسأله ترجیح دنیا به آخرت، به نوعی از پیامدهای غفلت محسوب می‌شود؛ چرا

که غفلت از روز حساب و لقای پروردگار، موجب می‌شود که انسان به زندگی دنیا راضی و قانع شود و به جای آخرت بدان اطمینان و دلگرمی یافته، علم و معرفت و خواست و اراده‌اش منحصر در همین چارچوب تنگ دنیا شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۷/۱۰).

وقتی چنین شد، آرزویش در دنیا طولانی می‌شود و از هیچ عمل سوئی برای رسیدن به آرزوهایش ابا نخواهد کرد و سرانجام به کیفر آنچه کسب کرده، اهل دوزخ خواهد شد [یونس (۷/۱۰)] امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: «ای مردم! اگر شما دنیا را بر آخرت برگزیدید، در پذیرفتن دعوت آن به کالای پست شتافته‌اید و مرکب آرزوهایتان تا دورترین مقصد، تاخت برمی‌دارند و شما را به آبشخورهایی می‌برند که فرجام‌شان پشیمانی است و کارهایی را که با امت‌های پیشین و نسل‌های گذشته کرد، به شما نیز خواهد چشانید» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ۳۲۰/۲). امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «هر که قلب‌اش به دنیا بسته شد، وابسته به سه چیز است: اندوهی پایان‌ناپذیر، آرزویی دست‌نیافتنی و امیدی به دست‌نیاوردنی» (طبرسی، ۱۳۸۵، ۲۶۹).

اما علیرغم این تأکیدات مبرهن، مروجان و مبلغان نظریات مادی‌گرایانه، نظیر قائلان به تئوری جذب، همچنان به دنبال جایگزین کردن آرزوهای مادی و دنیوی به جای آرزوهای سازنده انسانی هستند. به طوری که در نقد این تئوری برخی معتقدند از اشکالات جدی این فرضیه «تأکید» است که بر «مطلوب‌های حسی و مادی» و به عبارت دقیق‌تر «چرب و شیرین‌های سرگرم‌کننده و زودگذر» می‌شود. «همیشه به ثروت‌های بیکرانی که در آینده به دست خواهید آورد بیندیشید... همواره بگویید من ثروتمندم ... کاری کنید که واقعاً کودک درون شما یعنی ضمیر ناخودآگاه شما، ثروت را احساس کند و همان شرایط را برای شما فراهم کند. احساس کنید ثروت خود را و احساس کنید رفاه خود را ... به نمادهایی از ثروت مثل اسکناس، چک، و تصاویر شمش‌های طلا خیره شوید و با آن معاشقه کنید ...» (آزمندیان، ۱۳۸۹، ۲۳۸).

رفاه و تنعم در این تئوری چنان برجسته می‌شوند که اصلاً گرایش‌های متعالی

روح انسان و رشد معنوی و تکامل روحی وی در میان این همه مطالبات سطحی گم می‌شود و غایت هستی و هدف‌مندی خلقت به کلی فراموش می‌گردد و هدف زندگی در عیش و عشرت و کامیابی حداکثری خلاصه می‌شود و غایت بدین سان به ابتذال کشیده می‌شود.

این در حالی است که نفس انسان طوری آفریده شده است که هر اندازه دل بستگی‌اش به دنیا کم‌تر و آرزویش کوتاه‌تر شود، بصیرت و علم او نیز زیادتر است. در این باره صریح روایت است که بصیرت و آگاهی فقط از جانب تعلم و یادگیری نیست، بلکه پرهیز از دنیاطلبی این خاصیت را دارد که نفس را آماده کند تا از رحمت و فیض انوار الهی که در جهان هستی پخش شده است بهره گیرد. پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید، هر که به دنیا بی‌رغبت باشد و آرزویش را در آن کوتاه سازد، خداوند به او دانشی عطا می‌کند بی‌آن که از کسی بیاموزد و راهنمایی‌اش کند بی‌آن که از کسی راهنمایی گیرد؛ «مَنْ زَهَدَ فِيهَا فَقَصَّرَ فِيهَا أَمَلُهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ عِلْمًا بَغَيْرِ تَعَلُّمٍ وَ هُدًى بِغَيْرِ هِدَايَةٍ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۱۶۵/۷۴).

نتیجه‌گیری

مقوله آرزو و بحث آرزومندی از منظر دینی نه تنها امری مذموم نیست، بلکه طبق بررسی‌های صورت گرفته برخی از آمال امری سفارش شده نیز می‌باشد. به طوری که سرفصل مجزایی را می‌توان با عنوان آرزوهای سازنده برای این دسته آیات و روایات اسلامی لحاظ کرد. اما در مقابل، آرزوهایی نیز قابل تشخیص هستند که انسان را در مسیر گمراهی و غفلت، به «لهو و لعب» دنیا وامی‌دارند. این دسته از آمال که با عنوان آرزوهای بازدارنده شناخته می‌شوند، در آیات قرآن تحت عناوینی همچون آرزوهای اهل کتاب، منافقان، کافران، آرزوی دست‌یابی به برتری‌های دیگری و ثروت‌طلبی قابل دسته‌بندی هستند؛ آرزوهایی که مکاتب مادی‌گرایانه امروزی از تمامی ظرفیت خود در جهت جلب جوانان از آنها بهره‌برداری کرده و با طرح راه کارهای جدیدی همچون تبیین راه‌های موفقیت، تکنولوژی فکر و طرح نظریات نه چندان علمی همچون قانون جذب، سعی در

نشان دادن در باغ سبز به جوانان دارند تا آنان را با آمال و آرزوهای مادی مشغول کنند. بدین ترتیب جوان در فرایند استحاله ارزشی خود، آرزوهای مادی را بر ارزش‌های انسانی و اهداف متعالی ارجحیت می‌دهد و به جای تلاش و توکل در جهت تعیین اهداف غایی و دست‌یابی به آنها، متوسل به اوهام و گمانه می‌شود و به تدریج خدا را از یاد می‌برد. از این رو انسان، به ویژه در سنین خطیر و البته سرنوشت ساز جوانی، باید به این مهم توجه کافی داشته باشد که صرف آرزو داشتن و برنامه‌ریزی برای درک آن امر مذمومی در آموزه‌های اسلامی نیست، مشروط به آن که ابتدا اتکا و توکل خود را بر خدای متعال قرار داده و بکوشد تا در ترسیم آرزوهای زندگی خود از آمال صلحا و انبیای الهی (علیهم‌السلام)، که ذکر آنها در قرآن رفته، الهام بگیرد و گرنه عوامل انحراف آدمی از آرزوهای سازنده که به استناد قرآن همانا شیطان، غفلت، حماقت، میل به گناه و ترجیح دنیا بر آخرت هستند همچنان در کمین انسان بوده و هر لحظه چشم به لغزشی از سوی او دارند تا بساط غلطیدن وی را به چاه ظلمت و تباهی فراهم کنند.

* پیشنهادهای کاربردی پژوهش

۱. تبیین تفصیلی آرزوهای سازنده و بازدارنده از منظر قرآن و احادیث، برای ارائه مدلی جامع و مانع به جوانان، به منظور تبیین الگویی برای برنامه‌ریزی و ترسیم مسیر آینده. بی تردید این مهم محقق نخواهد شد مگر با تمیز دادن آرزوهای بازدارنده و سازنده از یکدیگر و هشدار و بشارت در خصوص عوارض انتخاب هر یک از این دو دسته.
۲. تحلیل و بررسی تفکرات مادی‌گرایانه وارداتی از غرب به منظور تبیین اثرات روحی و روانی آنان بر ساخت اجتماع و شکل‌گیری ایده‌آل‌ها و آمال مادی‌گرایانه در میان جوانان.

پی‌نوشت‌ها

۱. انعام (۲۷/۶)؛ فرقان (۲۷/۲۵ و ۲۸)؛ احزاب (۶۶/۳۳)؛ زخرف (۳۸/۴۳)؛ صف (۲۵/۶۱)؛ حاقه (۲۷/۶۹)؛ نباء (۴۰/۷۸) و فجر (۲۴/۸۹).

۲. نساء (۷۳/۴)؛ كهف (۴۲/۱۸)؛ مریم (۲۳/۱۹)؛ قصص (۷۹/۲۸) و یس (۲۶/۳۶).
۳. اعراف (۵۳/۷)؛ غافر (۱۱/۴۰) و شوری (۴۴/۴۲).
۴. نساء (۱۰۲/۴)؛ آل عمران (۳۰/۳)؛ بقره (۹۶/۲)؛ حجر (۲/۱۵)؛ احزاب (۲۰/۳۳)؛ ممتحنه (۲/۶۰)؛ قلم (۹/۶۸)؛ معارج (۱۱/۷۰)؛ زمر (۵۸/۳۹) و بقره (۱۶۷/۲).

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم (۱۴۱۵ ق)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
۲. نهج البلاغه (۱۳۶۸)، ترجمه سید جعفر شهیدی، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۳. آزمندیان، علیرضا (۱۳۸۹)، تکنولوژی فکر، تهران، نشر پدیده.
۴. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب الاسلامیه.
۵. ابن اثیر، مبارک بن محمد الجزری (۱۳۶۷)، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، محقق: محمود محمد الطنحی و طاهر احمد السزای، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۶. ابن فارس، ابوالحسن احمد (۱۴۲۲)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق محمد عوض مرعب و الآسه فاطمه محمد اضلان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ ق)، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۸. برن، راندا (۱۳۸۵)؛ راز، ترجمه مهدی قرچه داغی، تهران، نشر پیکان.
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، تفسیر موضوعی قرآن کریم (مراحل اخلاق در قرآن)، قم، نشر اسراء، چاپ دوم.
۱۱. حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۱۲. حقانی زنجانی، حسین (۱۳۷۳)، نظام اخلاقی اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. خسروانی، علی رضا (۱۳۹۰)، تفسیر خسروی، تهران، انتشارات اسلامی.
۱۴. خمینی، روح الله (۱۳۶۲)، طلب و اراده، ترجمه و شرح سید احمد فهری، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۱۵. دالایی لاما (۱۳۸۱)، زندگی در راهی بهتر، ترجمه فرامرز جواهری نیا، تهران، نشر ماهی.
۱۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
۱۷. رازی، ابوالفتح حسین بن علی (۱۴۰۸ ق)، روض الجنان و روح الجنان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ ق)، المفردات، محقق: صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالشامیه.

۱۹. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الكشاف عن حقایق غوامض التنزیل*، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ سوم.
۲۰. سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۸ق)، *معترك الاقتران فی اعجاز القرآن*، بیروت، دارالکتب عملیه.
۲۱. سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۰ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالفکر.
۲۲. شیرازی، احمد امین (۱۳۸۰)، *آئین بلاغت (شرح مختصر المعانی)*، قم، انتشارات فروغ قرآن، چاپ چهارم.
۲۳. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات فراهانی.
۲۵. ----- (۱۳۸۵ق)، *مشكاة الانوار*، نجف، کتابخانه حیدریه.
۲۶. عبدالکریم، عثمان (۱۳۶۷)، *روان شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی*، ترجمه سید محمد باقر حجتی، چاپ نهم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، دفتر دوم.
۲۷. عروسی هویزی، علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *نور الثقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۲۸. عسگری، ابوهلال (۲۰۰۶)، *فروق اللغویه*، محقق: محمد باسل عیون السود، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ چهارم.
۲۹. عمایره، اسماعیل احمد و مصطفی سید عبدالحمید (۱۴۱۰ق)، *معجم الادوات و الضمائر فی القرآن الکریم*، قم، دارالفکر.
۳۰. غفاری، محمدرضا (۱۳۸۷)، *روح و دانش جدید*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ق)، *ترتیب کتاب العین*، محقق: مهدی المخزومی، ابراهیم السامرائی، قم، انتشارات اسوه.
۳۲. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق)، *من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک للطباعه و النشر.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. لیشی الواسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، *عیون الحکم و المواعظ*، محقق: حسین الحسنی البیرجندی، قم، دارالحديث.
۳۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الأطهار علیهم السلام*، بیروت، انتشارات وفاء.
۳۶. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۵)، *فرهنگ نامه آرزو*، ترجمه حمید رضا شیخی، قم، انتشارات دارالحديث.
۳۷. محمود، منصور؛ دادستان، پری رخ و راد، مینا (بی تا)؛ *لغت نامه روانشناسی*، (بی جا).
۳۸. مزلو، آبراهام اچ. (۱۳۶۷)، *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. نصری، عبدالله (۱۳۸۹)، *فلسفه آفرینش*، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان.
۴۱. ویلسون، برایان (۱۳۸۷)، *جنبش های نوین دینی*، ترجمه محمد قلی پور، مشهد، نشر مرنندیز.